

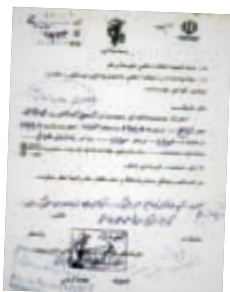


## از عطر لاله‌های مهاجر

عبدالهی

«مهران» میعادگاه شهید ناصری با خدا

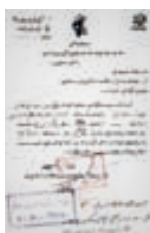
۲۹ اسفندماه سال ۶۰ بود که اصابت ترکش او را راهی آسمان‌ها کرد. شهید «محمدزئیر ناصری» ۲۳ سال بیشتر نداشت که از قم به جبهه غرب اعزام شد و در جبهه مهران به شهادت رسید. در پرونده شهید ناصری نحوه شهادتش این گونه روایت شده است: «از عملیات خنثی کردن میدان مین بر می‌گشتند که با یکی از مین‌ها برخورد می‌کند. این حادثه باعث قطع شدن سر، پا و دست چپ او می‌شود و در سنگر به درجه رفیع شهادت نائل می‌گردد. پیکر آن شهید در قبرستان شیخان به خاک سپرده شده است.» شهید ناصری در نامه‌ای به خانواده خود این گونه از احوالات جنگ می‌گوید: اگر از احوالات اینجانب بخواهید، الحمدلله سلامت حاصل است و در خدمت اسلام در سایه خداوند تعالی مشغول نبرد با صدامیان کافر و صهیونیسم جنایتکار هستیم و به زودی پیروز خواهیم شد. اگر از احوالات جنگ بخواهید این عراقی‌ها به علت نداشتن ایمان به اسلام، واقعا کورند و نمی‌دانند چطور با این سربازان امام زمان (عج) بجنگند. ما مانند سربازان امام زمان (عج) در خدمت اسلام هستیم و برای شناساندن اسلام به تمامی کشورها کوشش خواهیم کرد که بدانند اسلام دین شهادت و ایثار است و کسی که علی دارد احتیاج به مارکس و لنین ندارد. به امید پیروزی حق بر باطل.



مهران  
سکوی آسمان

بدین وسیله گواهی می‌شود برادر حسنعلی حیدری (۲۳ ساله، مجرد، والدین ساکن افغانستان) عضو بسیج، در مورخ ۶۵/۴/۴ به منطقه جنوب اعزام و در تاریخ ۶۵/۴/۱۱ در منطقه مهران بر اثر بمباران هوایی به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

چند روزی از تابستان گرم امسال میهمان شهر قم شدیم تا با همراهی مسئولان بنیاد شهید استان قم، پرونده شهدای افغانی سال‌های حماسه را توفقی کنیم. پرونده‌ها در اختیارمان قرار گرفت و سوژه‌هایی شد برای گزارش هایمان. پرونده‌هایی که گاه تنها یک برگ بود و تنها اطلاعات محدود شناسنامه‌ای و تاریخ شهادت و گاه به وصیت نامه‌ای از یک شهید یا دستخط و نوشته‌ای از خانواده شهید. باید سپاس گفت همکاری و همراهی صمیمانه حاج آقا «ناظمی» معاون فرهنگی بنیاد شهید استان قم و همکار ایشان سرکار خانم «ملوکانه» که همه داشته‌های خود درباره شهدای افغانی را در اختیارمان قرار دادند تا «سند برادری» سندی محکم تر از آن چه باشد که تصور داشتیم. اجرشان با خدای شهیدان... و حالا صفحاتی از ویژه نامه «سند برادری» را به اسنادی مزین می‌کنیم که حکایت از عروج جمعی دیگر از مردم افغانستان در سال‌های دفاع مقدس دارد.



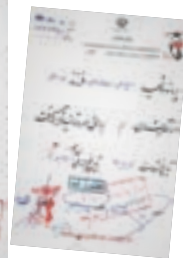
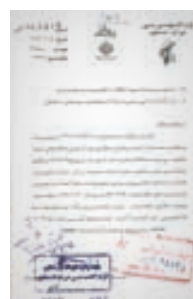
شهرتش مهاجر بود  
و از مریوان هجرت کرد

احتراما گواهی می‌شود برادر «محمدحسن رمضانی مهاجر» فرزند رمضان به شماره شناسنامه ۶۶۲ صادره از کابل افغانستان از منطقه ۹ کشوری به جبهه علیه کفر اعزام و در تاریخ ۶۲/۵/۱۷ در منطقه مریوان به درجه رفیع شهادت نائل گردیده است.



شهادت در ایلام

آقای «محرم علی صفدر» فرزند علی، به تاریخ ۵۹/۱۰/۱۲ در منطقه ایلام به شهادت رسید و پیکر مطهرش در بهشت شیخان قم به خاک سپرده شد. نامبرده از سازمان نیروی انقلاب اسلامی افغانستان بوده است.



«امیرحسین سلطانی هزاره»؛ شهید  
مجنون، ساکن قطعه ۱۷

«امیرحسین سلطانی هزاره»؛ این نامی است که در نامه شماره ۱۴۹۴۱۱ بنیاد شهید ثبت شده است. نامی از یک شهید بدون عکس، بدون نشانی. البته یک نشانی از او ثبت است که ما را به منزلی می‌رساند: گلزار شهدای قم، قطعه ۱۷، ردیف ۹، قبر شماره ۸۸ فرزند «خادم علی» بود. ۲۰ اردیبهشت سال ۶۷ از دفتر نهضت اسلامی افغانستان در تهران، به جبهه‌های ایران اعزام شد و دست تقدیر، او را به جزیره مجنون روانه کرد و بعد از آن ... سوم خردادماه سال ۶۷، اصابت ترکش خمپاره به پهلوی و نامی که از آن پس دیگر یک نام ساده نیست و پیشوندی آن را مزین کرده است: «شهید امیرحسین سلطانی هزاره، شهید جزیره مجنون».



۲۵ آبان سال ۶۵ روز عروجش بود

اطلاعاتی که از او در دست است و در اسناد بنیاد شهید استان قم به ثبت رسیده این است: «شهید محمدنظر محمدی، تاریخ شهادت ۶۵/۸/۲۵»... و البته یک خاطره کوتاه از برادر، یک خاطره کوتاه از همسر نیز در پرونده شهید محمدی ثبت است و چند کلامی هم از خود آن شهید که با

زبان شیرین فارسی دری در نامه هایش به تحریر در آورده است: «سلام، احترامات قلبی خویش حضور برادر با جان برابریم ابراهیم جان. سلام تقدیم می‌دارم، امید است قبول نموده علیک فرمائید. نخست صحت مندی و سلامتی شما را از خداوند کریم رحیم آرزو مندیم. اگر در پرسش احوالات اینجانب بوده باشید تا تحریر ورقه هزار دارای صحت کامل می‌باشم...».